

سبک زندگی پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان

عنایت الله شریفی*

چکیده

سبک زندگی اسلامی در مقیاس با دیدگاه جامعه‌شناسان و روانشناسان از جامعیت بیشتری برخوردار است. در این بین، یکی از ابعاد سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان است. به همین دلیل، نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این مسئله است که سبک زندگی پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان قبل و بعد از تولد چگونه بوده است؟

در سبک تربیتی پیشوایان معصوم : قبل از تولد فرزندان به اموری همانند انتخاب همسر و مادر شایسته، تغذیه حلال و رعایت آداب اسلامی در مباشرت و بعد از تولد برای رشد جسمانی، عاطفی، عقلانی و ... به اموری چون تغذیه کودک به‌ویژه شیر مادر، عقیقه‌کردن، گفتن اذان و اقامه در گوش چپ و راست، انتخاب نام نیک و زیبا، تراشیدن سر و صدقه‌دادن به اندازه موه‌های تراشیده‌شده، دعا، محبت و مهرورزی، آموزش فرزندان، آموزش احکام دین، بازی کردن، رعایت عدالت و پرهیز از تبعیض توجه شده است.

* Enayat.sharifi@yahoo.com

* - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی ؛

مقدمه

سبک زندگی در شکل نوین، اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد و پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند. بر اساس بینش و نگرش خاص محققان، تعاریف مختلفی ارائه شده؛ جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه، بیشتر بر هنجارها و منش‌های اجتماعی افراد در جامعه تأکید می‌کنند و روان‌شناسان، بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی می‌پردازند؛ ولی آنچه مهم است این تعاریف، تک‌بُعدی هستند و فقط به یک بُعد از ابعاد زندگی انسان‌ها توجه دارند؛ اما آیین اسلام، آیینی جامع و کامل است و انسان‌ها را کامل‌تر و جامع‌تر ارزیابی می‌کند و زندگی را با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌ها مدنظر می‌گیرد، حتی رفتارهایی همانند نماز اگر اعتقاد به خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود، چنانکه بسیاری از رفتارهای مرتاضان و دارویش، اسلامی نیست. بر این اساس می‌توان سبک زندگی اسلامی را بدین گونه تعریف کرد:

«شیوه‌ای از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی

خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه و

هم‌چنین پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد.»

طبق این تعریف، سبک زندگی، سبک زندگی مصرف‌های مادی یا

فرهنگی نیست؛ چرا که زندگی عناصر غیر از مصرف را نیز در بردارد،

گرچه مصرف، غالباً مشاهده‌ترین و ملموس‌ترین رفتار انسان است.

بر این اساس، سبک زندگی اسلامی دارای قلمروی وسیعی است که تمامی

ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را فرا می‌گیرد. در این نوشتار، سبک

زندگی خانوادگی پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان ارزیابی می‌شود و

این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالات زیر است:

الف) سبک پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان قبل از تولد

چگونه بوده است؟

ب) سبک زندگی پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان بعد از تولد چگونه بوده است؟

سبک زندگی پیشوایان معصوم : در تربیت فرزندان قبل از تولد
 اگر بخواهیم صفاتی چون اخلاق نیکو، حلم، بردباری، هوشمندی و زیرکی، پاکی و صفای باطن، سلامت روانی، سلامت جسمانی و زیبایی را در فرزندانمان ایجاد کنیم، باید قبل از تولد، آن‌ها را مدنظر بگیریم. هریک از صفات یادشده که منشأ به وجود آمدن نگرش‌های کلی حاکم بر سبک زندگی فرد است، ریشه در خانواده و ویژگی‌های ارثی انسان دارد.

در برخی از روایات، ولادت امامان معصوم : از والدین و اجداد کریم و شریفشان به‌عنوان یکی از نشانه‌های بزرگواری آن‌ها بیان شده است. پیامبر 9 فرمودند:

«خداوند ذریهٔ پیغمبران را در صلب خودشان قرار داده؛ ولی نسل مرا در صلب علی 7 مقرر فرمود، پس من پدر اولاد فاطمه هستم. خدا مقدر کرده بود که پیشوایان دین و خلفای پیامبر 9 از نسل پاک زهرا 3 به وجود آیند.»

و نیز در زیارت وارث خطاب به امام حسین 7 آمده است:

«اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره؛ گواهی می‌دهم که شما (قبل از ولادت) همانند نوری در صلب پدران شریف و مادران پاک‌تان بودید و از این مسیر نورانی تولد یافتی.»
 (شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت وارث).

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت کودک، انتخاب همسر شایسته است که پیشوایان معصوم : هم خود در انتخاب همسر توجه داشتند و هم به دیگران در این باره سفارش می‌کردند، همانند ازدواج حضرت علی 7 با حضرت فاطمه 3 و ازدواج علی 7 با ام‌البنین بعد از وفات حضرت زهرا 3 که نزد برادر خویش عقیل که در علم

انساب و شناخت قبایل عرب سرآمد بود، رفت و از او می خواهد همسری برایش بجوید که از شجاعان زاده شده باشد تا فرزندی شجاع و دلیر برایش بیاورد. عقیل با بررسی و جستجو در قبایل عرب، سرانجام ام البنین از قبیله کلاب را به حضرت پیشنهاد می کند و با ازدواج حضرت با این زن، شیرمردانی چون حضرت ابوالفضل 7 و برادرانش پرورش می یابند که دلیری و شجاعت آنها تا ابد بر صفحه تاریخ ماندگار خواهد بود (شیخ عباس قمی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۱۷۳).

هم چنین امام سجاد 7 نیز یکی از نوادگان امام مجتبی 7 را به همسری بر می گزیند و از او باقرالعلوم 7 متولد می شود و هم چنین امام علی النقی 7 که در سامراء زندگی می کند، بشرین مسلمان را به بغداد می فرستد تا کینیز پاک طینت رومی را خریداری کند تا او را به همسری فرزند خویش امام حسن عسکری 7 در آورد و از او آخرین حجت حق، امام مهدی 7 متولد شود (شیخ عباس قمی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۱۷۴).

از دیگر عوامل مؤثر، غذای والدین بر نطفه یا جنین است. در حدیثی پیامبر 9 به یکی از از یارانش فرمود:

«غذای حرام نخور، لباس حرام نپوش و معصیت خدا نکن؛ زیرا خداوند به شیطان می فرماید: در اموال و فرزندان حرام خوران و گناهکاران شریک شو و به آنها وعده دروغین بده.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۱۲۶).

این روایت به این واقعیت اشاره دارد که اگر والدین از مال حرام پرهیز نکنند، نگرش ها و سبک زندگی آنها در آینده ناصحیح خواهد بود.

یکی دیگر از حالات روحی و روانی والدین هنگام آمیزش، رعایت آداب اسلامی هنگام انعقاد نطفه است؛ زیرا حالات روحی و روانی والدین هنگام آمیزش، تأثیر بسیاری در ویژگی های جسمانی و روانی کودک دارد. پیامبر 9 فرمود:

«هنگام آمیزش تن خدا را بر زبان جاری کنید تا نطفه به وجود آمده از دستبرد شیطان محفوظ بماند.» (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۵، ۱۹۸۲) و نیز فرمود:

«در حال جنابت و قبل از غسل کردن با همسران آمیزش نکنید؛ زیرا اگر فرزندی به وجود آید، ممکن است دیوانه شود.» (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۱۲).

در فهرست منابع ذکر نشده است و نیز در وصیت خود به علی ۷ فرمود:

«یا علی! لاتجامع مع امرأتک فی اوّل الشهر و وسطه و آخره فان الجنون و الجذام و الخیل یسرع الیها و الی ولدها؛ ای علی!؛ «در اوّل، وسط و آخر ماه با همسرت هم‌بستر مشو؛ زیرا احتمال جنون، جذام و فساد اعضاء و عقل او و فرزندش در این روزها زیادتر است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۴، ۳۵۹).

رعایت نکردن آداب آمیزش، افزون بر تأثیر نهادن بر فرزندی که نطفه او در حال انعقاد است بر سایر فرزندان نیز اثر می‌گذارد. امام صادق ۷ از قول پیامبر ۹ فرمود:

«سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هرگاه مردی با زنش هم‌بستر شود در حالی که کودکی در اتافی بیدار است و آن‌ها را می‌بیند و سخن گفتن و نفس زدن آن‌ها را می‌شنود، آن کودک هرگز به رستگاری نخواهد رسید، خواه پسر باشد یا دختر و زناکار خواهد شد.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۹۴).

غذای مادر نیز بر جسم و روح فرزند اثر دارد. رسول خدا ۹ می‌فرماید:

«به زنان باردار از میوه «به» بدهید؛ زیرا اخلاق فرزندتان را نیکو می‌گرداند.» (راوندی، ص ۱۵۱)

در فهرست منابع ذکر نشده است و نیز برای تیزهوش شدن کودکان فرمود:

«به زنان باردارتان کُندر بدهید؛ چرا که عقل و هوش کودک را افزایش می‌دهد.» (همان)



ب) سبک زندگی پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان بعد از تولد
 ۱. توجه به تغذیه کودک در ماه‌های نخست

سلامت جسم و روان کودک در گروهی ارضای نیازهای عاطفی و بهداشتی و تغذیه‌ای کودک است. این سلامت به‌عنوان یکی از ریشه‌های درخت زندگی در به وجود آمدن نگرش‌های کلی کودک به زندگی، نقش اساسی دارد. نخستین نیازی که نوزاد پس از تولد بروز می‌دهد، غذاست. شیر مادر که کامل‌ترین غذا برای رشد کودک و تقویت بافت‌های بدن اوست، علاوه بر برطرف کردن نیاز جسمانی کودک، نیازهای عاطفی او را نیز از طریق جای گرفتن در آغوش گرم مادر ارضاء می‌کند و بهترین راه ارتباط میان مادر و فرزند است. به همین دلیل در سخنان پیشوایان معصوم : به این مسئله تأکید فراوانی شده است.

افزون بر این، یکی از دغدغه‌های پیشوایان معصوم :، حفظ سلامتی فرزندان بوده و برای آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند و سعی می‌کردند در کنار توجه به بهداشت از تغذیه سالم، کافی و حلال برای فرزندان‌شان تهیه نمایند.

در روایات آمده است که گاه فاطمه ع شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود سیر کرده است. هم‌چنین روایت شده زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب سخت در مضیقه بودند، فاطمه زهرا ع حسن و حسین را نزد پیامبر برد و عرض کرد: «ای رسول خدا! فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی را ندارند.» پیامبر که نگرانی دخترش را به‌جا و به‌موقع دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین قرار داد و با تر کردن دهان آن‌ها حضرت زهرا را از نگرانی در آورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی شدید نجات داد.

این بزرگواران در استفاده از غذاهای حرام و ناپاب مراقبت داشتند. ابوهریره می‌گوید:

«مقداری خرما از بابت زکات در اختیار رسول خدا قرار داشت و آن‌ها را در بین فقراء تقسیم می‌کرد، وقتی از تقسیم فارغ شد، امام

حسن را بر دوش گرفت که برود، دید دانه‌ای از آن خرما را در دهان گذاشته، می‌مکد. پیامبر دست مبارکش را در دهان او کرده، فرمود: طخ طخ حسن جان! مگر نمی‌دانی که آل محمد صدقه نمی‌خورند؟» (شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت وارث).
 ام کلثوم نظیر عمل جدش رسول خدا 9 را در کوفه انجام داد. مسلم می‌گوید:

«روزی که اهل‌بیت امام حسین 7 را به اسیری در کوفه آورده بودند، مردم را دیدم که بر اطفال اهل‌بیت، رقت و ترحم می‌نمودند و نان، خرما و گردو به آن‌ها صدقه می‌دادند و می‌گفتند: دعا کنید کودکان ما مثل شما نشوند. ام کلثوم نان پاره‌ها و خرماها و گردوها را از دست و دهان کودکان می‌ربود و به دور می‌افکند و بر اهل کوفه بانگ می‌زد که از این عمل دست بردارید، صدقه بر ما اهل‌بیت حرام است.» (ابی‌مخنف، مقتل، ص ۹۰)
 در فهرست منابع ذکر نشده است.

۲. توجه به سنت‌ها و عوامل معنوی

پیشوایان معصوم در روزهای آغازین تولد فرزندانشان تا روز هفتم به سنت‌هایی عمل می‌کردند و به دیگران نیز سفارش می‌فرمودند. عمل به این آداب، زمینه مساعد را در فرزندان به وجود می‌آورد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) اذان و اقامه در گوش نوزاد؛ نخستین کاری که پیامبر 9 و ائمه پس از تولد فرزند انجام می‌دادند، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد بوده است. امام سجاد 7 می‌فرماید:

«هنگامی که امام حسین 7 متولد شد، پیامبر 9 در گوش او اذان گفت.» (همان، ج ۱۰۳، ۱۲۳)
 نجمه مادر امام رضا 7 می‌گوید:



«وقتی امام رضا 7 متولد شد، امام کاظم 7 در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفت.» (حرعاملی، ۱۴۰۵: ج ۱۵، ۱۳۸).
 علی 7 می فرماید:

«زمانی که هنگام زایمان حضرت زهرا 3 فرارسید، پیامبر 9 به اسماء بنت عمیس و ام سلمه فرمود: بر بالین فاطمه 3 حاضر شوید و وقتی فرزند متولد شد، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویید؛ زیرا اگر چنین کنید از شیطان در امان خواهد بود.» (اربلی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۴۸)

ب) نام نیکو؛ نامگذاری برای هر چیزی که انسان با آن سر و کار دارد، ضروری است. سبک زندگی پیشوایان معصوم : این بود که نام نیک و با معنا را برای فرزندان خویش انتخاب می کردند و به دیگران سفارش می کردند که نام نیک و با معنا برای فرزندان خویش انتخاب کنند و از انتخاب نام های زشت و بی معنا پرهیز کنند، حتی نام های بد افراد و مکان ها را عوض می کردند و نام های نیک بر آنها می نهادند. پیامبر 9 اسم عاصم را که عاصیه بود به جمیله تغییر داد (ابن سعد، ۱۴۰۵: ج ۳، ۲۶۶).
 یعقوب بن سراج نیز می گوید:

«خدمت امام صادق 7 رسیدم. امام بر بالین امام کاظم 7 که در گهواره بود، ایستاده بود و مدتی طولانی با او نجوا کرد. نشستم تا امام فارغ شد، آنگاه برخاستم. امام به من فرمود: نزد مولایت بیا و بر او سلام کن، نزدیک شدم و سلام کردم، امام کاظم 7 به زبان فصیح پاسخ داد و فرمود: نام فرزندت را که دیروز بر او نهادی، عوض کن؛ زیرا آن اسم مورد نفرت خداست.» وی می گوید: «دختری برایم متولد شده بود که من نام او را حمیرا گذاشته بودم.» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵، ۱۲۸).

ج) عقیقه کردن؛ در سخنان پیشوایان معصوم : آنقدر به عقیقه تأکید شده است که در برخی از روایات، انجام آن واجب دانسته شده است. امام کاظم 7 فرمود:

«العقیقة واجبة اذا ولد للرجل ولد»؛ «هنگامی که مردی صاحب فرزند می‌شود، عقیقه بر او واجب است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۹).

پیامبر ۹ و ائمه : برای خود و فرزندان خود عقیقه می‌کردند. فاطمه زهرا ۳ هرگاه صاحب فرزندی می‌شد، برای او گوسفندی عقیقه می‌داد و به این سنت اسلامی که در واقع می‌توان آن را بیمه سلامتی شمرد و از صدقات مستحبی است، پایبند بود. امام صادق ۷ فرمود:

فاطمه زهرا ۳ هر دو پسرش را عقیقه کرد و در روز هفتم تولدشان، موی سر آنان را تراشید و به اندازه وزن آن، پول‌های نقره صدقه داد.

امام سجاد ۷ فرمود:

«فاطمه زهرا ۳ حسن و حسین را عقیقه نمود و به خانم قابله‌ای که در تولد آنان کمک کرده بود، یک ران گوسفند و یک سکه طلا هدیه داد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۴).

امام عسگری ۷ نیز برای امام زمام ۷ عقیقه کرد، ابی‌جعفر عمیری می‌گوید:

«وقتی سید (امام زمان) متولد شد، امام عسگری ۷ فرمود: اباعمر و را نزد من بفرستید، وقتی در پی اباعمر و فرستادند و او نزد امام آمد، فرمود: ... و فلان مقدار برای او عقیقه کن.»

(د) تراشیدن سر نوزاد و صدقه‌دادن برای او؛ از دیگر سبک‌های پیشوایان معصوم : در روز هفتم ولادت کودک، تراشیدن سر نوزاد و صدقه‌دادن به وزن موی اوست. امام صادق ۷ از پدر خود نقل کرد که پیامبر ۹ برای حسن و حسین :، هر کدام یک قوچ عقیقه کرد و مقداری از آن را به قابله داد و سر آن‌ها را در روز هفتم ولادت تراشید و به وزن موی سر آن‌ها نقره صدقه داد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۳۳).

(ه) دعاکردن در حق فرزندان؛ با توجه به اینکه در زمان حضرت زهرا ۳ دکتر، دارو و درمانگاهی همانند امروزه وجود نداشت، در عین حال، حضرت زهرا ۳ به سلامتی کودک توجه داشته، بلافاصله در پی مداوا و معالجه او



برآمده و فرزندنش امام حسین 7 را نزد پیامبر 9 می آورد و از رسول خدا 9 تقاضا می کند که از خدا، شفای فرزندش حسین 7 را بخواهد. امام علی 7 می فرماید:

«امام حسین 7 دچار بیماری شد. آنگاه حضرت فاطمه 3 او را در آغوش کشید و خدمت پیامبر 9 برد و فرمود: یا رسول الله! از خدا بخواه که فرزندت حسین را شفا دهد؛ چراکه خدا او را به تو عنایت کرده و قادر به شفا بخشی اوست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹: ۲۶۱).

۳. محبت و مهرورزی

بی شک یکی از اساسی ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، هم چون آب، غذا و ...، نیاز به محبت است، به گونه ای که اگر این نیاز برآورده شود، کودک تا حد بسیاری در در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده، آن را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

سبک زندگی پیشوایان معصوم: نشان دهنده توجه ویژه مکتب تربیتی اهل بیت: به این اصل مهم است. پیامبر 9 به فرزندان خود (فاطمه 3 و ابراهیم)، نواده های خویش، کودکان اصحاب و مسلمانان و حتی کودکان غیرمسلمان محبت داشت و دیگران را بدان سفارش می کرد. روزی پیامبر 9 امام حسن 7 را می بوسید و نوازش می کرد، اقرع بن حابس عرض کرد:

«من ده فرزند دارم؛ ولی تا حال هیچ یک از آنان را نبوسیده ام.» پیامبر 9 غضبناک شد و فرمود: «اگر خدا محبت را از تو گرفته، من چه کنم؟ هرکس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگسالان را نگه ندارد از ما نیست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۸۲).

در روایت آمده است که روزی پیامبر، حسن و حسین: را بر دوش مبارک سوار نموده بود و در بین راه گاهی حسن را می بوسید و گاهی حسین را. مردی عرض کرد:

«یا رسول الله! این دو کودک را دوست داری؟»، فرمود: «آری، هر کس حسن و حسین را دوست بدارد با من دوستی نموده و هر کس با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۲۸۱).

روایت شده روزی رسول اکرم **۹** به نماز جماعت مشغول بود. هر گاه به سجده می‌رفت، امام حسین **۷** بر پشت او سوار می‌شد و پاهایش را حرکت می‌داد. وقتی می‌خواست سر از سجده بردارد، حسین را می‌گرفت و کنار می‌گذاشت. هنگامی که دوباره به سجده می‌رفت، باز امام حسین **۷** بر آن جناب سوار می‌شد، پیامبر او را می‌گرفت و کنار می‌گذاشت. پیامبر **۹** با همین کیفیت نمازش را به پایان رسانید. یک نفر یهودی که جریان را مشاهده می‌کرد، عرض کرد: «شما نسبت به کودکان طوری رفتار می‌کنید که ما از آن امتناع داریم!» پیامبر **۹** فرمود: «شما هم اگر به خدا و رسول ایمان داشتید، نسبت به کودکان مدارا می‌نمودید.»، یهودی به واسطهٔ رفتار پیامبر مسلمان شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۸۱).

حضرت زهرا **۳** در بر آورده کردن نیازهای عاطفی فرزندان و مراقبت از آنها، نهایت سعی را داشت و در بسیاری از موارد از نیازهای خود چشم‌پوشی می‌کرد. در مورد نیازهای عاطفی، اصل احترام و خطاب مهربانانه را رعایت می‌کرد و آنان را با عنوان «نور چشمان و میوهٔ دل» صدا می‌کرد. همهٔ حرکات و رفتار و حضور و غیاب فرزندان را زیر نظر داشت، با کودکان هم‌بازی می‌شدند، در خانه به بازی بچه‌ها توجه کافی داشتند و همین امر موجب شادابی و نشاط روزافزون آنها می‌شد. او در قالب بازی و شوخی شخصیت کودک را تقویت نموده و به داشتن مفاخر و ارزش‌های اکتسابی تحریک و تشویق می‌کرد. نقل شده است که حضرت زهرا **۳** با فرزندش امام حسن مجتبی **۷** بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و می‌فرمود:



«اشبه اباک یا حسن و اخلع عن الحق الرسن و اعبد الهاً ذامنن و لاتوال ذاالاحن؛ حسن جان! مانند پدرت باش. ریسمان ظلم را از گردن حق برکن. خدایی را پرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و با افراد دشمن و کینه‌توز دوستی مکن.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۸۶)

حضرت زهرا 7 در هنگام بازی با اطفال به آنان درس شجاعت و دفاع از حق و پرستش خدا می‌داد. در همین جمله کوتاه، چهار نکته حساس را به آن کودک القا می‌کند؛ مانند پدرت شجاع و خداپرست باش، از حق دفاع کن، خدا را پرستش کن، با افراد کینه‌توز دوستی مکن (امینی، ۱۳۷۸: ۸۸). هم‌چنین نقل شده است که وقتی فرزندش حسین را بازی می‌داد، این گونه می‌فرمود:

«انت شییه بابی لست شییه بعلی؛ تو به پدر من شییه و به پدرت علی شباهت نداری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ۲۸۶).

طبق همین نقل این بیت، موجب خنده و تبسم علی 7 می‌شد.

علی 7 نیز به فرزندان خویش محبت می‌کرد که در کتاب مکارم‌الاخلاق این گونه بیان شده:

«علی 7 در حضور یکی از دخترانش، یکی از پسران خویش را بوسید، دختر گفت: پدرجان! آیا او را دوست می‌داری؟ حضرت فرمود: آری، دختر گفت: گمان می‌کردم که کسی جزء خدا را دوست نمی‌داری؟ حضرت گریست و سپس فرمود: محبت مخصوص خداست و شفقت برای فرزندان.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۱۷۱)

۴. رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض

یکی از عواملی که در سبک زندگی افراد تأثیرگذار است، رعایت عدالت بین افراد است و رعایت این امر در سبک زندگی پیشوایان معصوم : در میان فرزندان مشهود است. در احادیث و سخنان پیشوایان معصوم : بیان شده است که در بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید. رسول خدا 9 فرمود:

«اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان يعدلوا بینکم بالبر و الطف؛ عدالت را بین فرزندانان رعایت کنید، چنانکه دوست دارید آنها در نیکی کردن و مهربان بودن با شما به عدالت رفتار کنند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۳۰۷)

و نیز فرمود:

«حق فرزندان بر تو آن است که بین آنها به عدالت رفتار کنی.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۳۰۷).

این عدالت باید در همه رفتارها حتی در رفتار ساده‌ای، مثل بوسیدن هم حضور داشته باشد. رسول خدا ۹ فرمود: «ان الله تعالی یحب ان تعدلوا بین اولادکم حتی فی القبل.» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۴۴۵) پیامبر ۹ چشمش به مردی افتاد که دو پسرش با او بودند؛ ولی آن مرد یکی را بوسید و دیگری را نبوسید، رسول خدا ۹ فرمود: «چرا میان آنها مساوات را رعایت نکردی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۸۴)

سایر پیشوایان، نیز چنین امری را رعایت می‌کردند. علی 7 می‌فرماید: «روزی پیامبر ۹ در منزل ما استراحت کرده بودند، حسن آب خواست، رسول خدا برخواست و قدری شیر دوشید و به امام حسن داد. در این هنگام امام حسین خواست تا ظرف شیر را از برادرش بگیرد؛ اما پیامبر به حمایت از امام حسن، مانع گرفتن ظرف از امام حسن شد. فاطمه زهرا 3 که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا حسن برای شما عزیزتر از حسین است. پیامبر ۹ فرمود: چنین نیست، هر دو برایم عزیز و محبوبند، علت دفاع من از حسن اینست که او حق تقدم دارد و زودتر از حسین تقاضای آب کرده و باید نوبت را مراعات نمود.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۸۳).

حتی در بین فرزندان دختر و پسر از لحاظ جنسیتی، عدالت را رعایت می‌کردند. روزی پیامبر ۹ گرما گرم سخن گفتن با یاران بود، پسر بچه‌ای آمد و به نزد پدر خود که در گوشه مجلس بود، رفت، پدرش دستی به سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشانید، اندکی بدین



حال بود که دختر خردسال آن مرد آمد و به طرف پدرش رفت، چون به نزدیک او رسید، مرد دستی به سرش کشید و در کنار خود به زمین نشانید. پیامبر ۹ که تبعیض او را مشاهده کرد، به او فرمود: «چرا او را بر زانوی چپ خود نشانیدی؟!» آن مرد که به رفتار نادرست خود پی برد، به دستور پیامبر ۹ عمل کرد و دخترش را بر زانوی دیگر نشانید. رسول خدا ۹ فرمود: «الان عدالت را رعایت کردی.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۸۴)

۵. بازی با کودکان

در سال‌های نخستین زندگی، کودک بیش از هر چیز به توجه عاطفی والدین نیاز دارد. از مسائل مهم در این مرحله، آشنایی با محیط طبیعی، اشیاء و اشخاص گوناگون است. بازی، وسیله مناسبی برای شناخت در این مرحله است و غالب فعالیت‌های کودک در این مرحله، مربوط به بازی و سرگرمی است و او زمان کمی را به آموزش رسمی و معین می‌پردازد. بازی، نیاز طبیعی کودک است و بی‌توجهی به این نیاز، خسارت روانی بسیاری به بار خواهد آورد و از آنجایی که کودک بر اثر تغذیه انرژی فراوانی دارد، مصرف این انرژی در کودک جز از طریق بازی میسر نیست.

در این زمینه امام کاظم 7 می‌فرمایند:

«تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ هَكَذَا؛ مُسْتَحَبُّ اسْتِ كَيْ فَزَرْعُ فِي كُودُكِي بِه بَازِي وَجَسْتِ وَخِيْزِ بِيْرْدَاذْدِ تَا دَر بِيْرْگَسَالِي حَلِيْمِ بَاشْدِ، سِپَسِ مِي فَرْمَايْدِ: جِزْ اِيْنِ كَارِ سِزَاوَارِ نِيْسْتِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ۳۶)

و در این مورد پیامبر ۹ می‌فرمایند:

«دع ابنك يلعب سبع سنين و يودب سبع سنين و الزمه نفسك سبع سنين، فان افلح و الا فلا خير فيه.» «کودک خود را رها کن تا هفت

سال بازی کند و سپس او را به مدت هفت سال تأدیب کن و به مدت هفت سال دیگر او را مشاور و ملازم خود قرار بده، سپس اگر در این امر موفق گشتی، کاری نیکو انجام داده‌ای، در غیر این صورت هیچ خیر و ثمری در وی نخواهد بود.» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۴۷۵).

این روایات، به وضوح به هفت سال اوّل کودکی با ویژگی بازی و هفت سال دوم با ویژگی تربیت یا پرورش مبتنی بر آموزش و به هفت سال سوم (دوره بلوغ) با ویژگی الزام، اشاره دارند؛ اما اشاره به این نکته نیز مناسب است که تأکید بر بازی به معنای نفی آموزش و پرورش نیست؛ بلکه منظور، نفی اهمیت آن و نفی نظریاتی است که شکل‌گیری نهایی رفتار را ناشی از این دوره سنی می‌داند، مضافاً اینکه شارع اسلام این مرحله را بدون آموزش رها نمی‌کند، هرچند جزئی یا در محدوده‌ای متناسب با رشد عقلی و جسمی کودک باشد.

پیشوایان معصوم : در زندگی خود به این نیاز طبیعی کودکان توجه داشته‌اند. آنان علاوه بر اینکه کودکان را در بازی کردن در دوران کودکی آزاد می‌گذاشتند، خودشان نیز با آنها بازی می‌کردند. یعلی عامری می‌گوید:

«رسول الله ۹ روزی حسین 7 را دید که با بچه‌ها بازی می‌کند، پس دست مبارکش را دراز کرد تا او را بگیرد؛ ولی حسین 7 به این طرف و آن طرف می‌دوید. پیامبر ۹ با شوخی و تبسم او را در بغل گرفت، آنگاه با یکی از دست‌هایش چانه او و با دست دیگرش پشت گردن او را گرفت و دهان مبارکش را بر لب‌های او گذاشته و می‌بوسید و می‌فرمود: حسین از من و من از حسینم، هر کس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است، حسین فرزند دختر من است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۶۵).

در روایت دیگری بیان شده است که حسن و حسین در حضور رسول خدا ۹ گشتی می‌گرفتند. پیغمبر ۹ به حسن فرمود: «آفرین



حسن، آفرین حسن» فاطمه : عرض کرد: «یا رسول الله! با اینکه حسن بزرگ‌تر از حسین است، او را علیه حسین تشویق و تشجیع می‌کنی؟» ایشان پاسخ داد: «با اینکه حسین کوچک‌تر از حسن است؛ ولی از شجاعت و نیروی بیشتری برخوردار است و جبرئیل او را تشجیع و تشویق می‌کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۲۶۵).

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

«به محضر رسول خدا ﷺ رسیدم در حالی که حسن و حسین بر پشت آن حضرت سوار بودند و پیامبر برای آن‌ها خم شده بود و می‌فرمود: «نعم الجممل جملکما و نعم العدلان انتما؛ چه خوب شتری است شتر شما و چه بارهای خوبی هستید شما.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۲).

در روایت دیگری بیان شده که پیامبر ﷺ با مسلمانان در حال خواندن نماز جماعت بود که ناگهان نماز را با سرعت به پایان رساند. وقتی اصحاب علت آن را پرسیدند، با تعجب پاسخ فرمود: «اما سمعتم صراخ الصبی؛ آیا صدای گریه کودک را نشنیدید؟» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۶، ۴۸).

۶. آموزش فرزند

بر اساس آموزه‌های دینی، بهترین فصل آموزش و پرورش، دوران کودکی است. بر همین اساس، از جمله مهم‌ترین حقوق کودک، فراهم ساختن زمینه آموزش و پرورش اوست که پیشوایان دین به این موضوع بسیار توجه داشته‌اند که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

«مثل الذی یتعلّم العلم فی صغره کالتّقش علی الحجر و مثل الذی یتعلّم العلم فی کبره کالذی یکتب علی الماء؛ «حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش‌کندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگسالی می‌آموزد، همانند کسی است که بر آب می‌نویسد.» (متقی‌هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۰، ۲۴۹).

امام علی 7 می فرماید:

«مروا اولادکم بطلب العلم»؛ «فرزندانتان را به آموختن دانش امر کنید.» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ۵۵۸).

طبق روایات، آموزش باورهای اسلامی به ویژه توحید، دوستی پیامبر و خاندانش، واجبات به ویژه نماز و روزه، قرآن، نوشتن، بهداشت، حکمت‌های اخلاقی، شعرهای سودمند از مهم‌ترین مواردی است که آموزش آن واجب است. فاطمه 3 کودکش را به محضر رسول خدا 9 می‌فرستاد تا از دریای دانش متصل به وحی و علم مطلق الهی رسول خدا 9 استفاده برند و باز از آنان بازمی‌خواست که آنچه را آموخته‌اند، بازگو کنند. به روایت زیر دقت کنید:

امام حسن مجتبی 7 هفت‌ساله بود که در جلسات رسول خدا 9 شرکت می‌جست و آنچه را از وحی بیان می‌کرد، به خاطر می‌سپرد، آنگاه به حضور مادرش می‌آمد و آنچه را به خاطر سپرده بود برای مادر بازگو می‌نمود. چون امیرالمؤمنین 3 به خانه می‌آمد، می‌دید فاطمه 3 از آنچه امروز به پیامبر اکرم وحی شده است و آن را در مسجد بازگفته است باخبر است، شگفت‌زده می‌پرسید: «از کجا این مطالب را می‌دانی؟ با اینکه در جلسات رسول خدا 9 حضور نداشتی.» فاطمه زهرا 3 می‌فرمود: «فرزندت حسن، برایم نقل می‌کند.» روزی امیرمؤمنان 7 در خانه پنهان شد تا جریان بازگو کردن سخنان پیامبر 9 توسط امام حسن 7 را ببیند. در این هنگام امام حسن 7 به خانه وارد شد و شروع به سخن گفتن کرد؛ ولی دچار لکنت زبان شد. مادر شگفت‌زده شد که هیچ‌گاه این چنین نبود. امام حسن 7 پاسخ داد: «مادر تعجب نکن؛ زیرا بزرگ‌مردی به سخنانم گوش فرا می‌دهد و بدین واسطه است که دچار لکنت زبان شدم.» علی 7 از مخفی‌گاه خود خارج شد و امام حسن 7 را بوسید.



او کودکانش را به گونه‌ای تربیت کرد که دخترش زینب 3 روایات بسیاری را که از مادرش زهرا شنیده بود، برای ما نقل کرده است و امروز روایات او بخشی ارزشمند از فرهنگ غنی شیعی به شمار می‌رود.

۷. آموزش احکام دین

یکی دیگر از روش‌های زندگی پیشوایان معصوم : در تربیت کودکان، آموزش اعمال و احکام دینی است. آشنا ساختن کودکان به اعمال دینی باعث می‌شود که کودک شخصیتی متعهد و علاقمند به راهنمایی‌ها و قوانین خداوند بیابد، از مسیر هدایت فطری، اخلاقی و الهی محرف نشود، به انجام دادن رفتارهای نابهنجار جنسی روی نیآورد و نسبت به آن‌ها حیا نماید و حساسیت نشان دهد. پیامبر 9 والدینی که کودکان خود را به اعمال خوب و انجام احکام دینی تشویق نمی‌کنند، شدیداً سرزنش می‌کند. روزی پیامبر 9 به بعضی از کودکان نگاه می‌کرد، در حالی که رفتار آن‌ها حکایت از عدم آشنایی به آداب و احکام دینی بود، به همین دلیل، برای توجه دادن اولیای کودکان فرمود: «وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان» یکی از اصحاب گفت: «ای رسول خدا! از دست پدران مشرکشان؟» پیامبر فرمود: «نه! از دست پدران مؤمنشان که هیچ چیز از فرایض و احکام الهی را به آن‌ها نمی‌آموزند و حتی ممکن است کودکان، خودشان یاد بگیرند؛ ولی والدین مانع آن‌ها شوند. این والدین به اندک کارهای دنیوی از ناحیه کودکان راضی می‌شوند و هیچ توجهی به اخلاق و معنویت آن‌ها نمی‌کنند. من از این‌ها بیزارم و آن‌ها از من بیزار.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ح ۱۷۸۷۱: ۱۶۴).

والدین موظفند که کودکان خود را به فرایض و انجام دادن اعمال دینی، تشویق کنند. اخبار بسیاری از حضرت باقر 7 از پدرش زین العابدین 7 و از

حضرت رضا 7 رسیده که مفادش بیانگر این است که پیامبر 9 پس از نزول این آیه شریفه، همه روزه وقت سحر و صبح و شام به خانه علی می آمد و به اهل خانه سلام می کرد و می فرمود: «الصلاة رحمکم الله، انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا.» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۴۰۸).

نکته مهمی که در سبک زندگی پیشوایان معصوم دیده می شود این است که قبل از بلوغ فرزندان، آنان را به روش های مختلف به خواندن نماز تشویق می کردند و این امر بیشتر در هفت سالگی توصیه شده است و در این سن باید با تشویق، نرمی و مهر و محبت با آنان برخورد کرد و با افزایش سن می توانند قدری لحن آمرانه به خود بگیرند. رسول خدا 9 فرمود:

«ما از کود کانمان می خواهیم وقتی به پنج سالگی رسیدند، نماز بخوانند، شما وقتی کود کانتان به هفت سالگی رسیدند از آن ها بخواهید که نماز بخوانند. ما به فرزندانمان دستور می دهیم که از هفت سالگی تا هر وقت از روز که طاق می آورند، روزه بگیرند، گاهی تا نصف روز می شود و گاهی بیشتر یا کمتر، پس وقتی که تشنگی و گرسنگی بر آن ها فشار می آورد، می خورند تا بر روزه گرفتن عادت کنند و طاقت بیاورند؛ اما شما کود کان خود را از نه سالگی به روزه گرفتن وادار کنید تا هر وقت که می توانند روزه باشند و اگر تشنگی به آن ها فشار آورد، افطار کنند.» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۳، ح ۵۴۳۲).

امام صادق 7 می فرماید:

«روزی پیامبر 9 می خواست نماز بخواند، امام حسین 7 کنارش ایستاده بود. وقتی پیامبر 9 خواست تکبیر بگوید، حسین 7 توانست تکبیر بگوید، رسول خدا 9 تا هفت مرتبه تکبیر را تکرار کرد تا حسین 7 توانست تکبیر بگوید.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۳۰۷).

در سیره امام سجاد 7 آمده است که برخلاف وقت فضیلت، بچه ها را توصیه می کردند که نماز ظهر و عصر و هم چنین مغرب و عشاء را پشت سرهم و بدون فاصله بخوانند. برخی گفتند: «چطور در توصیه



اطفال به نماز، رعایت فضیلت وقت را نمی‌فرمایید؟» حضرت فرمود: «اطفال باید به عبادت انس بگیرند، منتها عبادت بر آن‌ها سنگینی نکند تا عبادت را دوست داشته باشند و به آن رغبت پیدا کنند، در اینصورت وقتی با نماز انس گرفتند دیگر آن را تضعیح نمی‌کنند و به آن کم توجه نمی‌شوند و سایر اشتغالات‌شان را بر نماز مقدم نمی‌کنند.» و فرمودند: «وقتی کودک قدرت نماز خواندن پیدا کردند، بگذارید فقط نمازهای واجب‌شان را بخوانند و آن‌ها را به مستحبات و ادا نکنند.» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹۳)

۸. مراقبت و کنترل فرزند

تربیت فرزند، مانند پرورش نهالی است که نیاز به مراقبت دارد، باید به موقع به آن آب داد و شاخ و برگ‌های زاید آن را هرس کرد تا تبدیل به درختی پُرثمر شود. مربی مسئول نیز به موقع احتیاجات تربیتی را فراهم نموده و در مواقع لزوم، عوامل مزاحم را حذف و غفلت‌ها را گوشزد می‌کند. یکی از وظایف والدین به‌ویژه مادر، مراقبت، حفاظت و نگهداری از فرزندان خود است. بر کسی پوشیده نیست که عدم کنترل فرزندان به خصوص، رفت‌وآمدهای آن‌ها، چه نتایج زیان‌باری به دنبال دارد. با توجه به خطرات و تهدیداتی که هر لحظه، سعادت یک جوان و نوجوان را در معرض نابودی قرار می‌دهد، لازم است که رفتار آن‌ها به‌ویژه مواقع ورود به خانه و زمان خروج از آن، مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

در سیره تربیتی حضرت زهرا ؓ وجود این اصل تربیتی به وضوح قابل مشاهده است. با دقت در مراقبت‌های حضرت زهرا ؓ نسبت به فرزندان خود، در می‌یابیم که حضرت زهرا ؓ با فداکاری و محبت خاصی که نسبت به فرزندانش نشان می‌داد، مراقب تمام حرکات و سکنات آن‌ها بود و به دقت رفت‌وآمدهای آن‌ها را زیر نظر داشت.

روزی پیامبر 9 به خانه زهرا 3 آمدند، دیدند حضرت زهرا 3 پشت درب خانه ایستاده است، سؤال کردند: «چرا محبوبم را با این حالت پشت درب می بینم؟» حضرت زهرا 3 فرمود: «دو فرزندت از خانه خارج شدند و تاکنون از آنان خبر ندارم.» با شنیدن این خبر، پیامبر 9 از خانه خارج شدند و در جستجوی فرزندان زهرا 3 برآمدند تا اینکه آنان را در بین کوه در غاری یافتند که خواب رفته اند...، آنگاه پیامبر 9 حسن را بر دوش راست و حسین را بر دوش چپ خود برداشت و بین راه جبرئیل به مدد پیامبر 9 آمد و حسین را بر دوش کشید تا به خانه زهرا 3 در آمدند و پس از این ماجرا بود که این دو برادر بر یکدیگر تفاخر می نمودند، حسن می گفت: «من آن کسی هستم که بهترین اهل زمین مرا بر دوش خود حمل نمود.» و حسین می گفت: «من آنم که بهترین اهل آسمان مرا بر دوش خود حمل نموده است.»

9. سفارش به مراعات نظم و حقوق دیگران

والدین باید مراقب کودک باشند که از حق خودش تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بداند و هم چنین کودک باید منظم باشد. نظم در زندگی را باید به او یاد داد. باید چنان تربیت شود که نه از گرفتن حقش عاجز باشد و نه حقوق دیگران را پایمال کند؛ البته شالوده این صفت در خانه و به دست پدر و مادر ریخته می شود. پدر و مادر باید نسبت به تمام کودکانشان به یک شکل رفتار کند و آنان را بر دیگری مقدم ندارند و بینشان فرق نگذارند. اگر کودک دید که در خانه خودشان، کاملاً حقوق رعایت می شود، می فهمد که در اجتماع هم باید حقوق را محترم شمرد.

این درس تربیتی کاملاً در خانه حضرت زهرا 3 اجرا می شد و به قدری در این باره دقت می شد که حقوق و نظم را در کوچک ترین موارد مراعات می کردند. برای نمونه علی 7 می فرماید:

«روزی پیامبر 9 در منزل ما استراحت کرده بودند، حسن آب خواست،



رسول خدا برخاست و قدری شیر دوشید و به امام حسن داد. در این هنگام امام حسین خواست تا ظرف شیر را از برادرش بگیرد؛ اما پیامبر به حمایت از امام حسن مانع گرفتن ظرف از امام حسن شد. فاطمه زهرا ³ که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: «گویا حسن برای شما عزیزتر از حسین است.» پیامبر ⁹ فرمود: «چنین نیست. هر دو برایم عزیز و محبوبند. علت دفاع من از حسن اینست که او حق تقدم دارد و زودتر از حسین تقاضای آب کرده و باید نوبت را مراعات نمود.» (امینی، ۱۳۷۸).

جمع بندی و نتیجه گیری

۱. سبک زندگی اسلامی در مقیاس با دیدگاه جامعه‌شناسان و روانشناسان کامل‌تر و جامع‌تر بوده و آنان فقط به یک بُعد از ابعاد زندگی انسان توجه کرده‌اند؛ ولی در اسلام به تمامی ابعاد و با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌ها توجه شده است و آن عبارت است از شیوه‌ای در زندگی که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه و هم‌چنین برای پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد.

۲. سبک زندگی پیشوایان معصوم: در تربیت فرزند قبل از تولد این است که به اموری، همانند انتخاب همسر و مادر مناسب برای فرزندان، تغذیه حلال، ... برای داشتن فرزند سالم، قوی، شجاع و صالح توجه داشتند.

۳. سبک زندگی پیشوایان معصوم: در تربیت فرزندان در روزهای آغازین تولد این بوده که به اموری همانند تغذیه مناسب مخصوصاً شیر مادر، اهتمام داشتند و آن را کامل‌ترین غذا برای رشد جسمانی و برطرف کردن نیازهای جسمانی و عاطفی نوزاد می‌دانستند.

۴. پیشوایان معصوم: در روزهای آغازین تولد به سنت‌ها و عوامل معنوی تا روز هفتم عمل می‌کردند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از

گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ، نام نیکو، عقیقه کردن، تراشیدن سر نوزاد و صدقه‌دادن برای او، دعا کردن در حق او و... .

۵. یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، نیاز به محبت است. سبک زندگی پیشوایان معصوم : نشان‌دهنده توجه ویژه مکتب تربیتی اهل بیت : به این نیاز اساسی است. پیامبر ۹ به فرزندان خود، کودکان اصحاب و مسلمانان و حتی غیرمسلمانان محبت داشت و در این خصوص به دیگران سفارش می‌کرد.

۶. بازی، نیاز طبیعی برای کودک است و بدون آن رشد نخواهد داشت. پیشوایان معصوم : در زندگی خود به این نیاز طبیعی کودکان توجه داشتند، افزون به اینکه کودکان را در بازی کردن در دوران کودکی آزاد می‌گذاشتند و خودشان با آن‌ها بازی می‌کردند.

۷. در مکتب تربیتی اهل بیت :، بهترین فصل آموزش و پرورش دوران کودکی است. به همین دلیل، پیشوایان معصوم : در سبک تربیتی خویش به این موضوع بسیار توجه داشتند.

۸. آشناساختن کودکان به اعمال دینی باعث می‌شود که کودک شخصیتی متعهد و علاقمند به راهنمایی و قوانین اخلاقی و الهی خداوند بیابد. پیامبر ۹ والدینی که کودکان را به آموزش و انجام احکام دینی تشویق نمی‌کنند، شدیداً سرنش می‌کنند.

۹. تربیت فرزند همانند پرورش نهالی است که نیاز به مراقبت دارد. پیشوایان معصوم : در سبک زندگی خویش به گونه‌ای از حرکات، سکناات، رفت و آمدها و ... فرزندان مراقبت می‌کردند تا دچار انحراف نشوند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۳.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت: دارصادر، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۵.
۶. اربلی، ابوالحسن، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵.
۷. امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۸.
۸. بخاری، محمد بن اسمعیل، الصحيح، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر ۹ و اهل بیت: در تربیت فرزند، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دهم، ۱۳۹۰.
۱۱. دشتی، محمد، نهج الحیاة، فرهنگ سخنان فاطمه 3، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین 7، ۱۳۷۲.
۱۲. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳.
۱۴. _____، الامالی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

۱۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۱۶. _____ سنن النبی، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۷. طبرسی، ابونصر حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: منشورات الرضی، ۱۹۷۲م.
۱۸. طبرسی، فضل بن شاذان، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۹. _____ اعلام الوری باعلام الهدی، قم: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۲۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۰.
۲۱. فقهی، علی نقی، تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۱.
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۲۳. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، قم: نشر مسجد جمکران.
۲۴. _____ منتهی الامال، ج ۲، قم: هجرت، ۱۳۶۹.
۲۵. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۷. مؤسسه در راه حق، پیشوایان معصوم، قم: انتشارات مؤسسه در راه حق، ۱۳۸۱.
۲۸. متقی هندی، علا الدین، کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.



۲۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان/الحکمة، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۵.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳.

۳۱. مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، صحیح مسلم، بیروت عزالدین، ۱۴۰۷.

۳۲. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۷.

۳۳. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، اصفهان: نشر مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۰.

۳۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی